

بحث در موضوعات حقوقی امور خلافی

خلاف با امور انضباطی و نظامات کشوری (که خیلی زود در حال تغییر و تکامل است) و هم از جهت تأثیر سیر تمدن بسوی ارتقاء و لزوم تطبیق زندگی اجتماعی با آن (که نتیجه موجب حذف پاره از امور خلافی و وضع دسته تازه از آنهاست) وضع آنها مطیع آئین نامه ها ساخته اند).

در هر حال از مطلب دور نشده و باصل موضوع پردازیم تا فائده عملی آن نیز در ضمن بحث مشهود گردد چنانچه میدانیم خلاف عبارت از گناهی است که کیفر آن از اقامت یک هفته در زندان و یا پرداخت پنجاه ریال غرامت تجاوز نکند و از همین تعریف و با توجه بماهیت گناه که خفیف ترین درجات بزه را تشکیل میدهد فرق های بسیاری با جنحه و جنایت از آن نتیجه میشود بدین طریق:

الف - عامل اخلاقی - چنانچه میدانیم در جنایت وجود عامل اخلاقی و قصد جنائی شرط حتمی است در جنحه هم اصل در وقوع گناه وجود عامل مزبور بوده خلاف آن بطور استثناء موجود است.

برعکس در امور خلافی بهیچ وجه قصد شرط لازم بر وقوع گناه نبوده و بلکه امر مادی و عملی تنها موثر در آنست (مگر در موارد استثنائی: ریختن خاک رובה و اشیاء کثیف روی اشخاص - امتناع از قبول پول رواج که در غالب کشورها امر خلافی است فحاشی و تظاهرات خارج از اخلاق و آمیخته باتوهین و هرزه گوئی) پس بطور کلی در امور خلاف عامل اخلاقی شرط نیست ولی در موارد غیر عادی (۱) و همچنین

هر چند با مراجع قانون کیفر عمومی در هر کشوری خلاف که اولین پایه گناهان و خفیف ترین آنهاست دیده میشود با این حال از نظر کمی اهمیت چندان در اطراف آن بحث نشده و شاید کمتر دادرسی بچنین موضوع با نظر دقیق نگریسته باشد. و حال آنکه این گناه بیش از سایرین مبتلا به عموم بوده و بر خلاف جنحه و جنایت که لا اقل صدی هفتاد و بلکه بیشتر از کرده مجرمین بالفطره یا معتادین و کسانی که شغل خود را بزهکاری قرار داده اند ناشی میشود گناه نامبرده ممکن است از هر کس و در هر مقام سرزند بی آنکه رابطه نزدیک با عادت و فطرت و یا طرز اخلاق و تربیت داشته باشد.

بنظر نکارنده و بهمان دلیل که خلاف ممکن است از اشخاص تربیت شده و آزاد مرد نیز سرزند باید در اطراف این گناه کوچک بنوبه خویش بحث کرد تا اندازه کافی ذهن همه نسبت بآن روشن شود هم چنانچه در بیشتر کشورها نیز باین گناه اهمیت مخصوص داده اند:

مثلا بجای آنکه بوسیله آئین نامه امور خلافی را تعیین کنند جای آنها در خود قانون کیفر قرار داده حتی رسیدگی فرجامی را در باره همین گناه کوچک دریغ نمیدارند.

(گرچه موضوع وضع گناه مزبور بوسیله آئین نامه شایستگی یا عدم قابلیت فرجام در آن در مقام خود محتاج به بحث علمی است. در کشورهایی که این رویه مورد عمل است حکمت و فلسفه قضائی هم برای آن در نظر دارند که هم از جهت ارتباط مستقیم و نزدیک

میشود بلکه تا اندازه بسوء تربیت و خشونت اخلاقی مرتکبین نیز کمک میکند بهمین جهت و چنانچه تذکر دادیم برای خلاف آثاری مناسب با آن تحت شرایطی چند قائل شده اند تا منحصر اندیشه فوق از آن تامین گردد: اینک آن شرایط:

کیفرو آثار مربوطه بتکرار در باره کسانی صادق است که پس از محکومیت قطعی خود بکیفر مجدداً و در ظرف یکسال در حوزه همان دادگاه بخش که حکم محکومیت صادر کرده و راجع بگناهی که در قانون کیفر عمومی خلاف تشخیص شده (نه در قوانین مخصوص) مرتکب گناه دیگری گردند.

از شرایط نامبرده بخوبی فلسفه قبول آثار مخصوص برای تکرار امر خلافی محسوس و در این جا قانونگذار خواسته است اولاً مرتکبین عادی و فطری و آنها که از روی تجری بامر خلاف دست میزنند کیفر مخصوص بینند تا موجبات تنبه آنها فراهم شود مخصوصاً ارتکاب در حوزه دادگاه صادر کننده حکم (سابق) بیشتر خلافکار آن محلی و آنها که آشنائی بمحیط و حوزه اجتماعی هستند در نظر گرفته شده بدیهی است کسی برای ارتکاب خلاف زحمت مسافرت از شهر بشهری را (که نتیجه و نفع مادی برای مرتکب ندارد) قبول نخواهد کرد در عین حال دامنه تکرار نیز وسیع نبوده و به مجرمین اتفاقی زیانی وارد نخواهد ساخت -- همچنین تصریح باینکه امر خلافی باید بموجب قانون کیفر عمومی گناه تشخیص شده باشد (نه قوانین علیحده و مخصوص) خود میرساند که قانونگذار منظورش تنبیه کسانی است که گناهان قابل اصطکاک با اخلاق و تربیت را مرتکب میشوند چه در قانون کیفر عمومی بیشتر این قبیل گناهان در نظر گرفته میشوند

حال به بینیم آثار و عواقب تکرار خلاف را چگونه تعیین نموده اند. بطور کلی در کشورهایی که این رویه را قبول کرده اند امور خلافی از نظر اهمیت بسه دسته تقسیم شده اند و قاضی در صورتیکه مرتکب را

نزد افراد خارج از حال طبیعی (دیوانه یا اطفال غیر ممیز) گناه مزبور قابل تعقیب نیست علت آنهم مربوط باصول دیگری از حقوق جزائی است که در این جا مورد بحث نمیشود.

ب - برعکس جنحه و جنایت که شروع بگناه بزه محسوب (در جنحه بشرط ذکر قانون و در جنایت بطور کلی) میشود در خلاف بهیچ وجه شروع وجود خارجی ندارد و قابل تعقیب نیست.

ج - شرکت و معاونت در جنحه و جنایت امری است عادی و گناه محسوب میشود و حال آنکه در امور خلافی مصداق نداشته و بلکه شریک نیز در حکم اصیل است و معاونت صورت خارجی و جزائی ندارد.

د - صغر سن - در امور خلافی نیز مانند جنحه و جنایت اطفال غیر ممیز تعقیب نمیشوند ولی در مورد صغار ممیز (بین ۱۳ و ۱۸) در بیشتر کشورها کیفر خلافی مانند بزرگان است با این اختلاف که تشخیص تمیز و اعمال کیفر با شخص قاضی است (پس به طفل بین ۱۳ و ۱۸ که غیر ممیز تلقی شود از نظر خلافی کیفر داده نمیشود)

ه - تکرار گناه - در قانون کیفر عمومی ایران تکرار گناه در جنحه و جنایت مؤثر و موجب تشدید مجازات است برعکس در گناه خلاف اثری از این حیث برای آن قائل نشده اند.

لکن بعضی از کشورها معتقدند باید برای امور خلافی نیز آثاری متناسب با اهمیت این گناه از نظر تکرار قبول نمائیم چه صحیح است که آثار خلاف از نظر زیان حاصله و خسارات ناشیه (از آن نسبت بجامعه) کوچک و غیر قابل اهمیت است ولی در عین حال بآن درجه نیز نا چیز نیست که بتوان بکلی از آن صرف نظر نمود بلکه در بعضی از امور خلافی اگر مرتکبین تکرار را یکسان کیفر دهیم نه تنها موجب تجری آنها و در نتیجه رساندن خسارات قابل ملاحظه فراهم

و بشرط آنکه گناه خلاف در قانون کیفر عمومی پیش بینی شده باشد (نه بموجب قانون خاص) کیفیات مخفقه را قابل اجرا میدانند

برخلاف تعلیق کیفر در این گناه در هیچ کشوری مورد قبول واقع نشده .

ز - تعدد گناه - موضوع تعدد و اعمال قوانین مربوطه بآن و بالتسبیح اجرای کیفر شدید تر درباره کسیکه مرتکب چندخلاف شده از دیرزمانی مورد بحث است بیشتر از دانشمندان معتقدند قوانین راجعه به تعدد فقط راجع بجنحه و جنایت وضع شده و مربوط بامور خلافی نیست قاضی میتواند هم رعایت تخفیف بطور آزاد درباره مرتکب خلاف بنماید هم موجبات تشدید را در این موضوع اعمال نسازد بعلاوه در امورخلافی از نظر کمی خطر و اهمیت و ارتباط نزدیکشان با زندگی اجتماعی که در نتیجه ممکن است (مخصوصاً با شرط نبودن قصد در ارتکاب) بطور غیر ارادی و بکرات پیش آید هیچ فلسفه و منطقی برای اینکه تعدد را از موجبات تشدید بگیریم متصور نیست

قانون کیفر عمومی ایران در مورد تعدد نص صریحی راجع بامورخلافی نداشته و بلکه ماده ۲ ملحقه به آئین دادرسی جزائی بطور اطلاق گفته است « هرگاه کسی مرتکب چند « جرم » شده که . . . » و از اینجا بعضی چنین نتیجه میگیرند که قوانین راجعه بتعدد در مورد خلاف قابل اجراست .

برخی برخلاف بفلسفه فوق معتقد و عدم اعمال آثار تکرار را در امور خلافی نیز قرینه برای اینکار گرفته اند بنظر نگارنده با سکوت قانون و اطلاق آن در ماده ۲ ملحقه با ذکر کلمه چند « جرم » از نظر قانونی اشکالی بر اجرای ماده نامبرده در پیش نیست ولی از نظر اصول حقوقی و منطق جزائی و بنا بر آنچه کفتم اجرای مقررات مربوطه بتعدد درباره خلاف اقتضائی ندارد .

دکتر ع . اخوی

مستحق کیفر بیشتر و شدیدتری دید (یعنی آثار تکرار را بر چنین گناه کاری قابل اعمال تصور کرد) بیکی از سه طریق رفتار میکند :

اگر گنهگار مرتکب خلافی شده باشد که از دسته اول باشد از يك تا سه روز حبس تکدیری (اضافی) درباره او قائل میشود

اگر گنهگار مرتکب خلافی شده باشد که از دسته دوم باشد از سه تا پنج روز حبس تکدیری (اضافی) درباره او قائل میشود

اگر گنهگار مرتکب خلافی شده باشد که از دسته سوم باشد پنج روز حبس تکدیری (اضافی) درباره او قائل میشود .

این نکته نیز قابل تذکر است که آثار تکرار در امورخلافی فقط منحصر بهمان گناهان خلافی است بنا بر این اگر کسی که بحکم قطعی راجع بگناه خلاف محکوم شده مرتکب جنحه یا جنایت گردد محکومیت خلافی او از نظر تکرار تأثیری در جنحه و جنایتش ندارد بعلاوه چنانچه دیدیم آثار تکرار در امورخلافی خفیف و منحصر است به تشدید کیفر آنهم در حدودی که از کیفر خلاف تجاوز (سه تا پنج روز حبس تکدیری) نکند مگر در موارد استثنائی (۱)

و - کیفیات مخفقه - در بیشتر کشورها چنانچه اوضاع و احوال را مساعد درباره گنهگار تشخیص و او را مستحق تخفیف بدانند بقاضی حق میدهند ولو اگر کیفرخلافی بدون حد اقل و اکثر است بحد اقل کیفر مقرر درباره خلاف قناعت کنند . مثلاً در کشور فرانسه

(۱) مثلاً قانون کیفر فرانسه که کشایش لاطار و قرعه کشی در معبر عمومی را ممنوع و آنرا گناه (خلاف) تشخیص داده است در موارد تکرار این گناه کیفر مرتکب را از خلاف بجنحه تبدیل و تشدید نموده و گنهگار را بشش روز (حد اقل کیفر جنحه) تا يك ماه حبس و ۱۶ (حداقل جریمه جنحه) تا ۲۰۰ فرانک غرامت محکوم میدانند .